

بسم الله الرحمن الرحيم

**تبیین تکثرگرایی در اندیشه
پست مدرنیسم و چالش‌های آن برای
تربیت دینی و اخلاقی**

مؤلف :

فاطمه حسنی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: حسنی، فاطمه، ۱۳۵۷ فروردین -
عنوان و نام پدیدآور: تبیین تکثرگرایی در اندیشه پست مدرنیسم و چالش‌های
آن برای تربیت دینی و اخلاقی / مولف فاطمه حسنی.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۶۴ ص.
شابک: ۶ - ۰۸۵ - ۴۳۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع: کثرت‌گرایی مذهبی
موضوع: Religious pluralism
موضوع: کثرت‌گرایی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Pluralism -- Religious aspects -- Islam
موضوع: فراتجدد
موضوع: Postmodernism
موضوع: فراتجدد -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Postmodernism -- Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۵ ت ۲ ۵۵ ح / BL۸۵
رده بندی دیویی: ۲۰۱/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۱۸۸۹۰

نام کتاب: تبیین تکثرگرایی در اندیشه پست مدرنیسم و چالش‌های آن برای
تربیت دینی و اخلاقی
مولف: فاطمه حسنی
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
چاپ: مدیران
قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان
شابک: ۶ - ۰۸۵ - ۴۳۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸
تلفن‌های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

تقدیم به

آیت الله شهید مفتاح روحانی برجسته فداکار و پیوند دهنده حوزه و دانشگاه
مقام معظم رهبری درباره شهید مفتاح می فرمایند: «مرحوم آیت الله
شهید مفتاح، علاوه بر اینکه یک روحانی برجسته و فداکار و روشن
فکر و آشنا به نیاز زمان بود، خصوصیتی داشت که در تعداد معدودی
از فضلاء آن زمان این خصوصیت وجود داشت و آن قدرت
ارتباط گیری با نسل جوان و دانشجویان و کسانی که مایل بودند پیام
دین را با زبان روز از یک روحانی و یک عالم به دین بشنوند، بود.

پیشگفتار:

در جهان معاصر اصول، مبانی و آموزه‌های پست‌مدرنیستی در حال گسترش است و بیش از یک دهه است که تفکر پست‌مدرنیسم در عرصه‌های مختلف مسایل تازه‌ای را باعث شده؛ در عرصه‌ی تعلیم و تربیت نیز پرسشها و نگرشهای جدیدی را به میان آورده است.

با وجود آنکه پست‌مدرنیست‌ها درباره‌ی تربیت دینی اخلاقی، به طور خاص و صریح به بحث پرداخته‌اند؛ ولی با توجه به ویژگیهای پست‌مدرنیسم، می‌توان دلالت‌های ضمنی در زمینه‌ی تربیت دینی اخلاقی، و جنبه‌های مختلف آن استنتاج کرد.

تکثرگرایی، چندگانگی، ساختارشکنی و توجه به هویت، سیاست، اندیشه و حتی زبان را شاید بتوان از مفاهیم اساسی معرفت‌شناسی پست‌مدرنیسم دانست یکی از ابعاد مهم پست‌مدرنیسم در کتاب حاضر، تکثرگرایی یا پلورالیسم است که بیشتر از جنبه‌ی دینی مورد توجه قرار گرفته است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	فصل اول: کلیات
۱۱	مقدمه
۱۷	تعریف اصطلاحات و مفاهیم
۱۷	تعریف پست مدرنیسم
۱۷	تعریف تکثرگرایی
۱۸	تعریف تربیت اخلاقی
۱۹	فصل دوم: پست مدرنیسم
۱۹	مقدمه
۲۰	آشنایی با فلسفه‌ی پست مدرنیسم
۲۲	ویژگی‌های مدرنیته
۲۳	عقلانیت و عقل گرایی
۲۴	نگاه جهان‌شمول و غیر فرهنگی
۲۴	اصالت علم و روش‌های علمی
۲۵	اصالت دادن به علم تجربی و رویکرد ابزارگرا
۲۶	فردگرایی
۲۶	مادی گرایی
۲۷	تعریف رستگاری انسان در سعادت دنیوی
۲۷	تأکید بر فردگرایی و اصالت انسان
۲۸	پیامدهای منفی مدرنیسم
۲۸	ترویج اندیشه‌های مادی گرا

۲۸	تزلزل باورها
۲۹	بردگی فکری و خودباختگی
۲۹	گسترش مصرف گرایی
۳۰	شکاف گسترده طبقاتی
۳۰	سستی بنیان خانواده
۳۰	کم رنگ شدن ارزش ها
۳۱	مدرنیسم و معماری
۳۱	تاریخ تحول فکری جوامع انسانی
۳۳	رویکردهای پست مدرن
۳۴	تعریف پست مدرنیسم
۳۵	تاریخچه پست مدرنیسم
۳۷	پلورالیسم اخلاقی
۳۸	پلورالیسم اخلاقی و نظریه اخلاقی
۴۰	نسبی گرایی و تضادهای اخلاقی
۴۰	پلورالیسم اخلاقی و فلسفه سیاسی
۴۱	اخلاق کثرت گرایی
۴۲	کثرت گرایی اخلاقی و نسبییت گرایی اخلاقی
۴۵	ویژگی ها و خصوصیات پست مدرنیسم
۴۶	زمینه های اجتماعی و فکری تکون پست مدرن
۴۶	زمینه های اجتماعی
۴۶	زمینه های فکری و فلسفی
۴۷	ویژگی های اندیشه پست مدرنیسم
۴۸	مؤلفه های پست مدرنیسم
۴۸	نفی وحدت گرایی و اعتقاد به کثرت و نسبییت
۴۸	نفی روایت های کلان

۴۹	نفی موضع معرفت شناختی فلسفه مدرن و ادغام سوژه و ابژه
۴۹	نفی عقل مدرن
۵۰	نفی فرهنگ واحد و پذیرش فرهنگ‌های متعدد
۵۱	نظریه پردازان پست‌مدرن
۶۲	قدرت و سیاست
۶۶	جامعه پست‌مدرن
۶۷	پست‌مدرنیسم در رویکردهای مختلف
۶۷	قدرت در رویکرد پست‌مدرنیسم
۶۸	پست‌مدرنیسم و جامعه‌شناسی
۶۹	پست‌مدرنیسم و هنر
۶۹	دیدگاه پست‌مدرن تغییر سازمانی
۷۲	دانشگاه پست‌مدرن از دید «کارل راسکه»
۷۳	مهمترین اصول و ویژگی‌های پست‌مدرنیسم
۷۵	واقعیت‌هایی از پست‌مدرنیسم
۷۸	رابطه پست‌مدرنیسم و دین
۷۹	پست‌مدرنیسم و اسلام
۸۵	پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت
۸۷	فصل سوم: پرسش و پاسخ
۸۸	قلمرو و ابعاد پلورالیسم
۸۸	پلورالیسم اجتماعی - سیاسی
۸۸	پلورالیسم فرهنگی
۸۹	پلورالیسم معرفتی
۸۹	پلورالیسم دینی
۹۳	انواع پلورالیسم

۹۸ نظریه سلطه رسانه	۹۸
۹۸ قوانین کثرت گرای رسانه‌ای	۹۸
۱۰۰ تکثرگرایی در اسلام	۱۰۰
۱۰۳ پلورالیزم دینی در نگاه شهید مطهری	۱۰۳
۱۰۶ تکثرگرایی	۱۰۶
۱۱۰ دین حق یا ادیان حق	۱۱۰
۱۱۵ اسلام به منزله قانون اساسی	۱۱۵
۱۱۶ ناسازگاری تکثرگرایی با وحی	۱۱۶
۱۱۷ پیامدهای پلورالیزم دینی	۱۱۷
۱۲۱ مفهوم هویت	۱۲۱
۱۲۲ سنخ‌شناسی هویت از ایمانوئل کاستلز	۱۲۲
۱۲۳ تهدیدات هویتی	۱۲۳
۱۲۵ تهدیدات تربیتی با تأکید بر نقش تربیت دینی	۱۲۵
۱۲۹ محاسن تربیت پست مدرن	۱۲۹
۱۳۱ محدودیت‌های تربیت پست مدرن	۱۳۱
۱۳۵ نتیجه‌گیری	۱۳۵
۱۴۱ فصل چهارم: جمع‌بندی	۱۴۱
۱۴۱ مقدمه	۱۴۱
۱۴۳ خلاصه کتاب	۱۴۳
۱۴۳ بحث	۱۴۳
۱۴۴ تکثرگرایی مساوات طلبانه	۱۴۴
۱۴۵ تکثرگرایی نابرابر	۱۴۵
۱۴۹ نتیجه‌ی نهایی	۱۴۹
۱۵۵ منابع و مأخذ	۱۵۵

فصل اول:

کلیات

مقدمه

پست مدرنیسم اغلب در مقام مکتبی فلسفی یا دوره‌ای از تاریخ معاصر معرفی می‌شود که تعریف و توصیفش، انگار به گونه‌ای پرهیز ناپذیر یا حتی لازم، ناممکن است (حقیقی، ۱۳۸۷، ص ۱).

ترجمه و تفسیر لفظ پست مدرن مشکل است، زیرا اولاً صاحب نظران پیرو این اندیشه به جز عده‌ی معدودی به معنا قائل نیستند. البته در اندیشه‌ی پست مدرن بحث نمی‌شود که ما معنا را چگونه در می‌یابیم؛ وجه غالب تفکر پست مدرن اثبات بی‌معنایی یا طرح صرف نظر کردن از معنا است، ولی چگونه می‌توان بی‌معنایی را اثبات کرد؟ و اگر همه چیز بی‌معناست چگونه می‌توان از معنا داشتن و بی‌معنا بودن سخن گفت؟ برای رد داعیه‌ی بی‌معنایی کافی است بگوئیم که تلاش برای اثبات بی‌معنایی نیز ظاهراً معنایی دارد، اما شاید گفته شود که سخن برآمده از اصل مدرنیته بی‌معناست. در این صورت، قضیه کمی دشوار می‌شود. پس باید دید مدرنیته و سخن مدرنیته چیست؟

ما مدرنیته را دوران تجدد ترجمه می‌کنیم و به نظرمان می‌رسد که پست مدرن نیز دورانی است که بعد از تجدد می‌آید و به این جهت پست مدرن را مابعدتجدد و پسامدرن ترجمه کرده‌اند (داوری اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

برخی نویسندگان مانند لیوتار حتی از تعبیر عصر و عهد برای آن ابا دارند و ترجیح می‌دهند از آن به وضع یا موقعیت پست مدرن تعبیر کنند (مددپور، ۱۳۸۸، ص ۹۱).

پست مدرنیسم پیچیده‌تر از آن است که به تعریفی معین تن در دهد. این پیچیدگی از آن روست که با هر چیز هم موافق است و هم سر بزنگاه با آن مخالفت می‌کند، از سویی با مدرنیسم ضدیت دارد، اما نامش را از آن می‌گیرد؛ و از سویی دیگر با خردورزی و منطق مخالف است، اما می‌خواهد حرف و مدعای خود را به یاری منطق به کرسی بنشاند (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

پسامدرنیسم در حقیقت نوعی بحران است؛ بحران در حقایق ما، ارزش‌های ما و باورهایی که بیشتر از همه مراقبشان بوده‌ایم (لاوسن، ترجمه سینا رویایی، ۱۳۸۶، ص ۹).

اکثر فلاسفه به هنگام کاربرد واژه‌ی پست مدرنیسم جنبشی را منظور نظر دارند که در دهه‌ی ۱۹۶۰ در فرانسه پیدایش و گسترش یافت و به طور دقیق‌تر، همراه با تحولات بعدی و وابسته‌اش پسا ساختارگرایی نامیده می‌شد (کهن، ویراستار عبدالکریم رشیدیان، ۱۳۸۱، ص ۲).

اولین استفاده از عبارت "پست مدرنیسم" (نامه‌ی ۱۹ فوریه) به قبل از ۱۹۲۶ بر می‌گردد، و می‌توان آن را تا دهه‌ی ۱۸۷۰ دنبال کرد، یعنی زمانی که این واژه توسط جان واتکینز چاپمن هنرمند بریتانیایی بکار رفت (آپیکنانزی، ترجمه فاطمه جلالی، ۱۳۸۱، ص ۵).

در ۱۹۳۹ این اصطلاح به دو طریق بسیار متفاوت در انگلستان به کار گرفته شد: توسط برنارد ادینگزبل متاله برای به رسمیت شناختن شکست مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب؛ و توسط آرنولد توین بی مورخ برای اشاره به ظهور جامعه‌ی توده‌ای پس از جنگ جهانی اول که در آن طبقه‌ی کارگر اهمیتی بیش از طبقه‌ی سرمایه‌دار پیدا می‌کند، کاربرد این اصطلاح در فلسفه به دهه‌ی هشتاد بر می‌گردد که اولاً برای اشاره به فلسفه‌ی فرانسوی پسا ساختارگرایی بود و دوماً برای دلالت بر واکنشی عمومی علیه عقل گرایی مدرن، ناکجا آباد گرایی و آنچه "بنیان گرایی" نامیده می‌شد (کهن، ص ۳).

پست مدرنیسم‌ها اصولاً منکر چیزی به عنوان مبانی فلسفی هستند، بنابراین به کارگیری

این تعبیر برای بیان اندیشه‌های آنان تا حدی مسامحه‌آمیز است و نباید آن را به معنای رایج در دوران مدرنیسم در نظر گرفت. به عنوان نمونه ضدیت با فراروایت‌ها نزد بسیاری از پست‌مدرنیست‌ها، به معنی رد هر گونه نظریه‌ی متافیزیکی یا معرفت‌شناختی است. در واقع تصور می‌شود که پست‌مدرنیسم پایان متافیزیک، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را اعلام کرده است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

لیوتار وضعیت پست‌مدرنیسم را به عنوان شک و ناباوری به تمامی فراروایت‌ها توصیف می‌کند. فراروایت‌ها حقایق غایی، مطلق و جهانی معروفی هستند که طرح‌های متفاوت علمی و سیاسی را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشند (آپیگنانزی، ترجمه فاطمه جلالی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵).

پست‌مدرنیست‌ها معتقدند که واقعیت پیچیده‌تر از آن است که ما تصور می‌کنیم و امری عینی نیست که به راحتی در تفکر ما ظاهر شود. ما واقعیت را مطابق با نیازها، علایق و سنت‌های فرهنگی خود شکل می‌دهیم هم چنان که در موارد بسیاری، واقعیت از فرهنگ و تعصبات شخص یا پیش‌داوری‌های مفسر تأثیر می‌پذیرد، از این رو واقعیت نمی‌تواند مستقل از ارزش‌ها باشد (کهنون، ص ۶۱).

از ویژگی‌های کلی جهت‌گیری ارزشی پست‌مدرن این است که ارزش‌ها از منابع گوناگون گردآوری میشوند و شما می‌توانید آن ارزش‌هایی را بپذیرید که احساس می‌کنید «خود» و گروه شما را بهتر منعکس می‌کنند. بیشتر پست‌مدرنیست‌ها نمی‌توانند بر اصول اخلاق ثابتی برای عمل اجتماعی تأکید کنند و معمولاً از قضاوت‌های اخلاقی اجتناب می‌کنند. به نظر آنها ارزش‌ها، درونی یا ذاتی نیستند، بلکه از طریق انتخاب، گفتگو و تصرف تعیین می‌شوند (همان، ص ۷۴-۷۵).

برتری اسلام و اخلاق و روش اسلام و دین اسلام و مکتب حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص) از تمام ادیان برتر و بالاتر و بر تمام مکاتب علمی جهان و بر تمامی پایگاه‌های دینی عالم، اسلام، بهتر و برتر و مبانی شایسته‌تر دارد (حسینی تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۲).

شرایع الهی بر مبنای اصولی ابدی وضع شده‌اند زیرا خداوند با اسماء و صفاتی تغییرناپذیر

مبدأ اصول اخلاقی است و عنایت و رحمت ازلی خداوند به تصمیمات و اقدامات انسان جهت می دهد (صانع پور، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

مهم ترین خصوصیت اصول اخلاقی مطلق بودن و همه جایی بودن آنهاست در حالیکه گزاره های اخلاقی تغییر پذیر و نسبی هستند اما اصول اخلاقی مانند خیر که با مابعدالطبیعه پیوند دارد ثابت و مطلق است (همان، ص ۱۲۶).

اخلاقیات متفاوت، بازتاب منافع گروه های متفاوت جامعه است که ریشه در روابط اقتصادی دارد. در واقع گروه های دشمن، اعتقادات اخلاقی متفاوت دارند که نشانگر مبارزه بین آنهاست (صادقی، ۱۳۷۱، ص ۵۶).

پست مدرنیسم که در آغاز جنبشی بر ضد اندیشه های سلطه جویانه ی غرب بود به تدریج در ذات و ماهیت خود دچار دگرگونی گشت (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

می توان گفت پدیده ی پسامدرنیسم در دو حالت قابل بررسی است: یا بعنوان نگرشی فلسفی که پیش فرض های خردباورانه و انسان گرایانه روشنگری مدرن را زیر سؤال برده و بحران روشنگری را به یاری یک خودآگاهی نویافته برملا می کند، یا، در مقام یک گستره ی زمانی خاص که در برگیرنده این نگرش و تمامی گفتگوهایی است که در موافقت یا مخالفت با چنین نگرشی در آن در می گیرند (حقیقی، ۱۳۸۷، ص ۲).

پست مدرنیته مرحله ای جدا و متفاوت از مدرنیته نیست بلکه صورت و مرتبه ای از بسط آن است که ویژگی اصلی آن، خودآگاهی نسبت به بحران مدرنیته است، پست مدرنیسم نحوی اندیشه ی شکاکانه و فاقد یقین عقلی و قلبی است که از پایان گرفتن هر نوع باور یقینی و ایمان [حتی نسبت به مبانی و مفروضات و غایات مدرنیته] حکایت می کند (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴).

پست مدرنیسم می کوشد تقریباً در همه ی انواع فعالیت فکری نشان دهد که آنچه دیگران آن را یک واحد، یک وجود، یا مفهوم منفرد و تام پنداشته اند یک کثرت است. این تا حدودی انعکاسی است از ساختارگرایی که عناصر فرهنگی - کلمات، معانی، تجربه ها، خودهای انسانی، جوامع - را ساخته ی روابط با عناصر دیگر می دانست. چون چنین روابطی

ناچار متکثرند، فرد مورد نظر نیز متکثر است. هر چیز به وسیله‌ی رابطه با چیزهای دیگر ساخته شده است، از این رو، هیچ چیز ساده، بی‌واسطه یا تماماً حاضر نیست و هیچ تحلیلی از هیچ چیز نمی‌تواند کامل و نهایی باشد (کهن، ص ۱۵).

کثرت‌گرایی، حاصل اذعان به وجود یا ضرورت تنوع، در قلمروی اندیشه و عمل است. در قلمروی اندیشه، کثرت‌گرایی حاکی از آن است که حق و صدق گرانیگاه مطلق ندارد. چنان‌که در قلمروی عمل نیز حکایت از آن دارد که خیر و صواب، در سبک زندگی فردی یا اجتماعی خاصی لنگر نیفکنده است. صدق و صواب، همچون ذرات شناور در سیلاب، پراکنده‌اند و به تمامی، در هیچ نقطه‌ای رسوب نکرده‌اند که بتوان به آسودگی خاطر، در آنجا به کاویدن صدق و اندوختن صواب (و ثواب) پرداخت (همان، ص ۱۴۲).

از دیدگاه پست‌مدرنیسم هیچ‌هنجار جهان‌شمول اخلاقی و هیچ‌بنیادی که بتواند هنجارها را معلوم کند، وجود ندارد. حقایق و ارزش‌ها باید در درون گفتمان‌ها پیدا شود. الگوگرایی در اخلاق پست‌مدرنیستی مذموم است، چرا که والدین، یا آنهایی که حق‌الگو بودن را برای خود قائل هستند، سعی دارند علایق خود را فراتر از علایق کسانی بدانند که از آنها مراقبت می‌نمایند. برای مقابله با این میل و گرایش طبیعی، باید تربیت اخلاقی مبتنی بر شیوه دموکراتیک و غیراقتدارگرایانه را تجویز کرد. به هر حال مبانی، اصول و روش‌های اخلاقی ثابت، یکسان و مشابه از نظر پست‌مدرنیست‌ها بی‌معنی است (فرمهبینی فراهانی، ص ۷۶).

اخلاق نظامی از ارزش‌هاست که مراتب نیک و بد میان چیزها را تعیین می‌کند و غایتش ایجاد بهترین روابط میان انسان و انسان است. اخلاق می‌خواهد بر مبنای احکام جاودانه‌ای هر چیز را چنان در جایگاه خود نشانند که هستی را سامانی نهایی دهد و آنرا از فساد و تباهی برهاند، اساس و آرمان تعلیم و تربیت در فرهنگ مذهبی بر انسان استوار است و در فرهنگ مادی بر جامعه، و چون فلسفه زندگی و نظام عینی و عملی، طبیعتاً بر پایه‌ی فلسفه‌ی ذهنی و فکری بنا می‌شود، در فرهنگ مادی نظام اجتماعی جبراً بر اصالت اقتصاد و پرستش‌های آرمان‌های غیر دینی پایه‌گذاری می‌گردد» (شریعتی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸-۲۲۹).

به یقین دین مبین اسلام در برنامه‌های اعتقادی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی خود، تربیت

متعادل ابعاد متنوع شخصیت آدمی را تا وصول به کمال شایسته‌ی این شگفت‌ترین مخلوق خداوند، محور قرار داده و جامعیت و کمال این آیین الهی، بیش از هر چیز در عنوان «مکتب تربیتی اسلام» جلوه می‌نماید (عبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

از آنجا که تکثرگرایی پست مدرنیسم چالش‌های چندی برای تربیت دینی به همراه دارد، پرداختن به این موضوع از اهمیت به سزایی برخوردار است، از این رو اشاره به چند نکته در این زمینه حائز اهمیت است. پست مدرنیسم نحوی اندیشه شکاکانه و فاقد یقین عقلی و قلبی است که از پایان گرفتن هر نوع باور یقینی و ایمان (حتی نسبت به مبانی و مفروضات و غایات مدرنیته) حکایت می‌کند (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴).

پست مدرنیسم می‌کوشد تقریباً در همه انواع فعالیت فکری نشان دهد که آنچه دیگران آن را یک واحد، یک وجود، یا مفهوم منفرد و تام پنداشته‌اند یک کثرت است (کهنون، ص ۱۵).

رویکرد تعلیم و تربیت پست مدرنیستی، تکثرگرایانه است و به «تفاوت» اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، یک جنبه‌ی مورد توجه در تکثرگرایی این است که فرض مبانی، اصول و روش‌های ثابت، یکسان و مشابه برای تعلیم و تربیت بی‌معناست. ملاک تفاوت، در ارزش‌ها، اخلاقیات، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی، فرهنگ‌ها، علایق و نیازهای خود جوامع محلی نهفته است (همان، ص ۲۱۳).

[در حالیکه] تربیت اخلاقی، دینی بر بنیان‌های ثابت و مقدم استوار است، تربیت اخلاقی، دینی اصولگرا و الگومحور است، تربیت اخلاقی، دینی مبتنی بر عمل است (شریعتی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۹).

شرایع الهی بر مبنای اصولی ابدی وضع شده‌اند زیرا خداوند با اسما و صفاتی تغییرناپذیر مبدأ اصول اخلاقی است و عنایت و رحمت ازلی خداوند به تصمیمات و اقدامات انسان جهت می‌دهد (صانع پور، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

در مورد ارتباط بین اسلام و پست مدرنیسم، آنچه روشن می‌باشد، این است که در اسلام برخی از مفاهیم از جایگاه بسیار قطعی، مسلم و مقدسی برخوردارند، به نحوی که هیچ‌گونه تردیدی در مورد پذیرش اصول و آموزه‌های آن نیست. در حالی که پست مدرنیسم به انکار

هرگونه مفهوم قطعی و مقدس می‌پردازد. از سویی دیگر نسبی‌گرایی و نگاه انتقاد آمیزانه‌ای که پست‌مدرنیسم نسبت به اعتقادات و باورهای پذیرفته شده دارد، با مفاهیم ثابت و مسلمی که در اسلام هست، تضاد دارد (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۴۱۳).

بنابراین با توجه به ویژگی‌های پست‌مدرنیسم متوجه می‌شویم که تحقق تربیت اخلاقی پست‌مدرن ممکن است در جامعه اسلامی به نفعی منابع مقتدر و به نفعی روند الگوگرایی، به نفعی مبانی متافیزیک ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی حاکم بر تربیت اخلاقی منجر شود، در صورتی که در تربیت اسلامی به مبانی متافیزیکی، مبانی ارزش‌شناسی و تئوری‌های پیشین معتقد می‌باشیم و تربیت اخلاقی از منظر اسلام، تربیتی مبتنی بر الگوهاست.

تعریف اصطلاحات و مفاهیم

تعریف پست‌مدرنیسم

پست‌مدرنیسم نحوی اندیشه‌ی شکاکانه و فاقد یقین عقلی و قلبی است که از پایان گرفتن هر نوع باور یقینی و ایمان (حتی نسبت به مبانی و مفروضات و غایات مدرنیته) حکایت می‌کند (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴).

اساساً تفکر پست‌مدرن فاقد وجوه روشن اثباتی است و بیشتر به عنوان یک اندیشه انتقادی و نقاد و سلبی نسبت به مدرنیته مطرح است (همان، ص ۱۰۳).

تعریف تکثرگرایی

کثرت‌گرایی، حاصل اذعان به وجود یا ضرورت تنوع، در قلمروی اندیشه و عمل است. در قلمروی اندیشه، کثرت‌گرایی حاکی از آن است که حق و صدق، گرانیگاه مطلق ندارد، چنان که در قلمروی عمل نیز حکایت از آن دارد که خیر و صواب، در سبک زندگی فردی یا اجتماعی خاصی لنگر نیفکننده است (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵-۱۲۶).

تعریف تربیت اخلاقی

اخلاق نظامی از ارزش‌هاست که مراتب نیک و بد میان چیزها را تعیین می‌کند و غایتش ایجاد بهترین روابط میان انسان و انسان است، اخلاق می‌خواهد بر مبنای احکام جاودانه‌ای هر چیز را چنان در جایگاه خود نشانند که هستی را سامانی نهایی دهد و آنرا از تباهی و فساد برهاند (آشوری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵).

فصل دوم:

پست مدرنیسم

مقدمه

فهم و درک درست ماهیت پست مدرنیسم و دیدگاه‌های اندیشمندان این نحله فکری به دلیل ابهامات و پیچیدگی‌های زیادی که دارد، امر دشواری است و از این جهت، در معرض تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است. در جوامع اسلامی دو دیدگاه عمده نسبت به این جریان فکری شکل گرفته است: نظریه‌ای که پست مدرنیسم را زمینه ساز بازسازی ایده‌های مذهبی و بازگشت به ایمان و الزامات دینی تلقی کرده‌اند؛ و نظریه‌ای که آن را به مثابه‌ی نابودی دین و ارزش‌ها دانسته‌اند. بنابراین، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که ماهیت واقعی پست مدرنیسم چیست؟ و چه نسبتی می‌تواند با اسلام داشته باشد؟

این فصل از کتاب در صدد یافتن پاسخ درست این مسأله است و از این رو، به نظر می‌رسد که از سویی، مفهوم‌شناسی دقیق پست مدرنیسم، شناسایی زمینه‌های اجتماعی و فکری و همچنین شاخصه‌ها و مهمترین مؤلفه‌های آن امر ضروری است و از سوی دیگر، تمرکز به واکاوی اندیشه‌ی بزرگان این دیدگاه و مخصوصاً یکی از نظریه‌پردازان اصلی این جریان، کمک شایانی در جهت فهم دقیق ماهیت و چیستی اندیشه‌ی پست‌مدرنیسم خواهد نمود.

پست مدرنیسم به مثابه‌ی یک پیکره پیچیده، مبهم و چند چهره، یک جریان پر نفوذ و قدرتمند فرهنگی، سیاسی و روشنفکری است که، افکار انتقادی و نسبی‌گرایانه متفکرانی

مثل: دکارت، هیوم، کانت، نیچه و... زمینه تحقق و رشد آن را فراهم نمودند. بنابراین، مسأله‌ی اساسی این است که ماهیت واقعی پست مدرنیسم چیست؟ و با اسلام چه رابطه‌ای دارد؟ با توصیف و تحلیل ماهیت اندیشه پست مدرنیسم و تبیین ویژگی‌ها و مهمترین اصول و مؤلفه‌های آن، اندیشه‌های میشل فوکو به عنوان پرآوازه‌ترین متفکر و نظریه پرداز این نحله را به منظور دستیابی به پاسخ مسأله، مهم یافته‌ایم. از این رو عمده‌ترین مضامین عرصه‌ی فعالیت‌های فکری او را که عبارتند از: حقیقت، قدرت و خود (= علم، سیاست و اخلاق)، مورد تبیین و تحلیل قرار داده شده است. در مجموع، به این نتیجه دست یافته‌ایم که، پسامدرنیسم با ویژگی‌هایی مانند خردستیزی، جوهرستیزی، نفی روایت‌های کلی و کلان‌نگر، تکثرگرایی، پذیرش فرهنگ‌های محلی و بومی و... یک جریان فکری و رویکرد انتقادی است که وضعیت مدرن و مؤلفه‌های آن را زیر سؤال می‌برد. پست مدرنیسم با این ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها هرگز نمی‌تواند با ادیان توحیدی به خصوص دین جاوید و جهان شمول اسلام که دارای جوهر ثابت، روایت‌های کلی و فراگیر است همخوانی داشته باشد.

آشنایی با فلسفه‌ی پست مدرنیسم

مدرنیته

مدرنیته دوره‌ای نسبتاً طولانی از تاریخ جهان است، که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران با رنسانس (قرن ۱۵) و به عقیده برخی دیگر، با روشنگری (اواخر سده ۱۸) آغاز و باعث تحولاتی شده است که، زمینه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها را دربر گرفته است (ریان، ۱۹۹۸، ص ۲۸).

واقعیت آن است که پیرامون تاریخ شروع مدرنیته توافقی وجود ندارد و دامنه اختلافات از دوران رنسانس تا قرن بیستم در نوسان است. به هر حال، ویژگی‌های برجسته این دوران عبارتند از: رشد شهرنشینی، گسترش و توسعه علوم جدید، پدید آمدن نهادهای جدید اجتماعی، سیاسی، آموزشی، پدید آمدن یک قلمرو همگانی برای بحث و گفت و شنود